



الدرس الاول

محتوا در یک نگاه

قواعد این درس شامل اسم تفضیل و اسم مکان می باشد.

پیش نیاز: قواعد این درس مرتبط با قواعد درس ۸ سال دهم است.



درسنامه

اسم تفضیل - اسم مکان

اسم تفضیل

اسمی است که مفهوم برتری یک صفت را بیان می‌کند و یکی از موارد زیر می‌باشد:

الف) کلمه بر وزن‌های «أَفْعَل» و «فُعَلَى» به جز رنگ‌ها و عیب‌ها . مثل : أَكْبَرُ كِبَرِي

رنگ‌ها و عیب‌ها: (با اینکه بر وزن «أَفْعَل» هستند ولی اسم تفضیل به حساب نمی‌آیند.)

| عیب‌ها | | رنگ‌ها | |
|----------|----------|----------|---------|
| مؤنث | مذکر | مؤنث | مذکر |
| فَعْلَاء | أَفْعَل | فَعْلَاء | أَفْعَل |
| حَمَقَاء | أَحْمَق | سَوْدَاء | أَسْوَد |
| عَمِيَاء | أَعْمَى | بَيْضَاء | أَبْيَض |
| بَكْمَاء | أَبْكُمْ | حَمْرَاء | أَحْمَر |
| صَمَاء | أَصَمَّ | زَرْقَاء | أَزْرَق |
| عَوَجَاء | أَعْوَج | خَضْرَاء | أَخْضَر |
| عَرَجَاء | أَعْرَج | صَفْرَاء | أَصْفَر |
| حَوْلَاء | أَحْوَل | سَمْرَاء | أَسْمَر |

در جملات زیر اسم تفضیل‌ها را مشخص کن.

(۲) اشتریتُ أَجْمَلَ قَمِيصٍ لِوَالِدِي

(۱) هَذِهِ الْمُرَضَّةُ مِنْ أَحْسَنِ مُرَضَّاتٍ فِي هَذَا الْمُسْتَشْفَى.

(۴) أَكْثَرُ خَطَايَا الْإِنْسَانِ مِنْ لِسَانِهِ

(۳) لَوْنُ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ فِي الْخَرِيفِ أَصْفَرٌ.

ب) کلمه بر وزن‌های «أَفْعَل» و «أَفْعَى».

مثال:

أَقْلَّ - أَشَدَّ - أَضَلَّ أَبْقَى - أَخْفَى - أَقْوَى



اسم تفضیل‌ها را در جمله زیر مشخص کن .

«رَأَيْتُ أُخْتِي الْكَبِيرَى وَ قَدَمْتُ إِلَيْهَا قَمِيصاً أَحْمَرَ وَ الْهَدَايَا، أَحَقُّ بِهَا، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْبَاقِي!»

ج) دو کلمه‌ی «**خیر و شر**» به شرطی که به معنی «**بهتر - بهترین**» و یا «**بدتر - بدترین**» باشند اسم تفضیل هستند.

}
شر

}
خیر

بد نیست بدانید که این دو کلمه، معمولاً در صورتی که به همراه آمده و یا باشند، در معنای اسم تفضیل استفاده می‌شوند، البته گاهی اوقات نیز ممکن است بدون داشتن دو شرط گفته شده معنای اسم تفضیل بدهند، پس مطمئن‌ترین راه برای تشخیص اسم تفضیل بودن یا نبودن این دو کلمه، توجه به ترجمه آنها در جمله است.

ضمناً زمانی که «**أل**» داشته باشند، یا زمانی که بعد از «**لا نفی جنس**» آمده باشند و یا نقش «**صفت**» داشته باشند (به همراه موصوف آمده باشند) اسم تفضیل نیستند.

| | | |
|---------------------------------|-------------------------------------|-----------------------------------|
| لا خیر فی ودّ امرئ متلون | ربّ اجعل فی هذا السفر خیراً کثیراً | جاء الخیر حینما انفتحت باب المنزل |
| خیر الأصحاب من یدلک علی الخیر . | والله خیر حافظا و هو أرحم الراحمین. | ربّ هب لی خیر الدنیا و الآخرة |

اسم تفضیل بودن یا نبودن «**خیر**» و «**شر**» را در جملات زیر مشخص کن.

۱) إعمل الخیر لکسب رضا الله!

۲) خیر الأعمال عند الله أخفأها!

۳) إجتنبوا من الشرّ لآنّه ینزل شأن الإنسان!

۴) اللّهمّ إنی لما أنزلت إلیّ من خیر فقیر!

نکته :

آخر (پایان) اسم فاعل است و مؤنث آن می‌شود (آخره)

آخر (دیگری) اسم تفضیل است و مؤنث آن می‌شود (آخری)



نکته : اسم‌های تفضیل در صورتی که مضاف باشند (مضاف‌الیه داشته باشند)، همراه با «ترین» ترجمه می‌شوند و اگر بدون مضاف‌الیه باشند ، همراه با «تر» ترجمه می‌شوند.

أنت أفضل الطلاب خلقاً: تو برترین دانش آموزان از نظر اخلاق هستی.
 أنت في جميع المجالات أفضل مني: تو در تمام زمینه‌ها از من برتر هستی .

جملات زیر را ترجمه کنید :

- ١) احترق أكبر البيوت في هذه القرية ليلة أمس!
- ٢) صديقي الأفهم أحسن إلي والديه تكريماً لهما!
- ٣) استطعت أن أقرأ أصعب الكتب في مجال الأدب!
- ٤) نتخب هذا الشَّباب من بين الشَّبَاب و هو أعلمهم بالقرآن!

تذکر: جمع مکسر اسم‌های تفضیل بر وزن «أفاعل» ساخته می‌شود.

مثال: أكبر (أكبر)

برای تعیین وضعیت اسم‌های جمع همواره باید به مفرد آن‌ها نگاه کنید، مثال‌های زیر را ببینید تا اهمیت این موضوع را بیشتر درک کنید.

مثال : أساور – أوامر – أماكن

تذکر: اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مونث با وزن «أفعل» ساخته می‌شود.

مریم أفضل من زهراء علماً و أدباً.

اما زمانی که اسم تفضیل دارای «أل» باشد و نقش صفت داشته باشد باید با موصوف خود از نظر جنسیت مطابقت کند.

أختی الكبرى أخی الأكبر

صحيح يا غلط بودن اسم تفضیل را در جملات زیر مشخص کنید.

١) الحديقة الصغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار.

٢) الإخوان الذين يساعدوننا في أمورنا الصعبة خير إخوان في حياتنا.

٣) إن الأعمال التي نعملها لكسب الحلال فضلى من بقية أعمالنا.

٤) ساعات تفكرنا في اليوم الواحد أقل من نومنا عادةً.

دقت کنید وزن‌های «أفعل – أقل – أفعی» ممکن است فعل ماضی باب «إفعال» باشند(البته اگر بدون علامت باشند، مضارع متکلم وحده

نیز می‌توانند باشند) که در سوالات تشخیص اسم تفضیل از این نکته زیاد استفاده می‌شود.



در جملات زیر به کمک ترجمه اسم تفضیل را پیدا کنید.

(۱) خُلِقَ صَدِيقِي أَحْمَدَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سَائِرِ أَصْدِقَائِي!

(۲) لَدَى كِتَابٍ شَعِرَ أَحَبُّ أَنْ أُطَالِعَهُ كُلَّ يَوْمٍ!

(۳) أَحَبُّ مِنْ أَصْدِقَائِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عِبُوبِي!

(۴) أَحَبُّ تَدْرِيسِ الْعَرَبِيَّةِ لِأَنَّهَا لُغَةٌ أَنْزَلَ بِهَا الْقُرْآنُ!

اسم مکان: روش ساخت به یکی از دو صورت زیر می‌باشد:

الف) از افعال ثلاثی مجرد: فقط کافی است ۳ حرف اصلی را بر وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَةٌ» ببریم. مثل:

مسجد - مدرسه - مکتب

ب) از افعال ثلاثی مزید: روش ساخت دقیقاً مانند روش ساخت اسم مفعول از فعل‌های ثلاثی مزید می‌باشد. مثل:

مستشفى - متحف - مختبر - مستنقع

تذکر: گاهی اوقات اسم مکان با وزن‌های فرعی زیر ساخته می‌شود:

مَفْعَى (مرعی - مأوی)

مَفَال (مزار - مطار)

مَفَلَّ (ممر - مقر)

اسم تفضیل و اسم مکان را در هر جمله مشخص کنید.

(۱) الدُّنْيَا دَارٌ فَانِيَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ فِي الْعَالَمِ!

(۲) إِنَّ أَكْبَرَ الْأَدْيَانِ يَذْهَبُونَ إِلَى مَعَابِدِهِمْ فِي الْأَيَّامِ الْمَعِينَةِ!

(۳) اشْتَرَيْتُ السَّرْوَالَ الْأَبْيَضَ مِنْ مَتَجَرِّ صَدِيقِي!

(۴) إِنِّي أَحَبُّ أَنْ أَبْنِيَ لِقُرَّاءِ قَرِيَّتِنَا مَسَاكِنَ رَخِيصَةً!

تذکر: جمع مکسر اسم‌های مکان با وزن «مفاعِل» ساخته می‌شود.

مدرسة (مدارس)، مکتب (مکاتب)، مغرب (مغرب)

ولی حتماً باید به مفرد و معنای اسم توجه کنید:

مبالغ (مبلغ)

مطالب (مطلب) ← اسم مکان نیستند

اسم مکان را در هر جمله مشخص کنید.

(۱) اتَّقُوا الْمَوَاضِعَ الَّتِي تُعَرِّضُكُمْ لِلتَّهْمِ!

(۲) يَجِبُ عَلَيْنَا دَعْوَةُ النَّاسِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّنَا بِالْمَوَاعِظِ الْحَسَنَةِ!

(۳) فِي مَطَارِ النَّجْفِ الْأَشْرَفِ شَاهَدْتُ أَحَدَ أَصْدِقَائِي الْقُدَمَاءِ!

(۴) شَارِكٌ فِي مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ لِتَنْتَفِعَ مِنْ عُلُومِهِمْ!



خط به خط با مؤلف کتاب درسی

(... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ...) الْجُرَات: ۱۲

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید.

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ: از آیات اخلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

ای کسانی که ایمان آوردید.

لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ

نباید مردمانی مردم دیگر را ریشخند کند. (گروهی، گروه دیگر را مسخره کند).

عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ

شاید آنها از خودشان بهتر باشند.

وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ

و نباید زنانی زنان (دیگر) را (ریشخند کنند)، شاید آنها از خودشان بهتر باشند.

وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ

و از یکدیگر عیب جویی نکنید.

وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ

و به همدیگر لقب های زشت ندهید.

بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

نام زشت پس از ایمان، زشت (بد) است.

وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و هرکس توبه نکرد آنان خودشان ستمکارند.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی گمان‌ها گناه است

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا

و جاسوسی (تجسس) نکنید و بعضی از شما غیبت (بدگویی) برخی دیگر را نکنند.

أُيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ

آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید. (پس از آن کراهت دارید.)

(و اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ) الْحُجُرَات: ۱۱ و ۱۲

و از خدا پروا کنید (بترسید)؛ که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا

گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر است.

فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده یا به اشاره ذکر نکنیم!

فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع):

امیر مؤمنان علی (ع) فرموده‌اند:

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»

بزرگترین عیب آن است که آنچه مانند آن در توست را عیب بشماری.

تَنْصَحُنَا آيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ:

آیه اول ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید:

لَا تَعْيِبُوا الْآخِرِينَ.

از دیگران عیب جویی نکنید.

وَلَا تَلْقُبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا.

و به آنها لقب‌هایی که آنرا ناپسند می‌دارند ندهید.



بئسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ!

آلودگی به گناه، بد است!

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

و هرکس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذْنٌ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

بنابراین، خدای بلند مرتبه در این دو آیه حرام کرده است:

الْأَسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمُ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

ریشخند کردن دیگران، و نامیدن آنها با اسم های زشت.

سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

بدگمانی، و آن عبارت است از، اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیل منطقی.

التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.

جاسوسی، و آن عبارت است از، تلاشی زشت برای آشکار کردن (کشف) رازهای مردم برای اینکه آنها را رسوا کند.

وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَمِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

و آن از گناهان بزرگ در آیین (مکتب) ما و از اخلاق بد است.

وَالْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

و غیبت، و آن از مهم ترین دلیل های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی مفسران، سوره حُجُرَات را که این دو آیه، در آن آمده است را سوره اخلاق نامیده اند.



| | | |
|---|---|---|
| فُسُوق: آلوده شدن به گناه | تَسْمِيَّة: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَى / مضارع: يُسَمِّي) | اتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) اتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید |
| فَضَح: رسوا کردن | تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ) | إِثْم: گناه = ذَنْب |
| قَدْ: گاهی، شاید (برسر مضارع) «قَدْ يَكُونُ»: گاهی می‌باشد / بر سر فعل ماضی برای نزدیک شدن به زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. | تَوَّابٌ: بسیار توبه‌پذیر، بسیار توبه‌کننده | استهزاء: ریشخند کردن (اسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ) |
| كِبَائِرُ: گناهان بزرگ «مفرد: كِبِيرَةٌ» | تَوَاصَلٌ: ارتباط (تَوَاصَلَ، يَتَوَاصَلُ) | اغْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند |
| كِرْهٌ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ) | حَرَمٌ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ) | أَنْ يَكُنَّ: که باشند (کان، يَكُونُ) |
| لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ» | خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهر | أَنْ يَكُونُوا: که باشند (کان، يَكُونُ) |
| لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ) | سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ، مصدر: سَخْرِيَّةً) لَا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند. | بَعْضٌ .. بَعْضٌ: یکدیگر |
| لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ) | عَابَ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ) | بِئْسَ: بد است |
| مَيِّتٌ: مُرَدَةٌ «جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ | عُجِبَ: خودپسندی | تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد |
| نِسَاءٌ: زنان | عَسَى: شاید = رُبَّمَا | تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ) |
| أَنْ يَأْكُلَ: که بخورد | الظَّنُّ: گمان | اجْتَنَبُوا: دوری کنید |
| تَتَّصَحَّحْنَا: ما را نصیحت می‌کند | أَنْ لَا نَذْكَرُ: که ذکر نکنیم | أَنْ نَبْتَعِدَ: که دور شویم |
| مَحَاوَلَةٌ: تلاش | الْقَبِيحَةُ: ناپسند - زشت | الْفُسُوقُ: آلودگی به گناه |
| يُنْهَى: نهی می‌کند | السُّخْرِيَّةُ: مسخره کردن | أَهَمُّ: مهم‌ترین |
| تَعَلَّمَ: یاد گرفت | تَبَادُلٌ: عوض کردن | عَلَّمَ: آموزش داد |
| غَلَبَتْ: چیره شد | أَهْدَى: هدیه کرد | حَيٌّ: بشتاب |
| ضَلَّ: گمراه شد | جَادَلْهُمْ: با آنها بحث کن | البهائم: چارپایان |



| | | |
|--|---------------------------|---------------------------------------|
| مَلْعَبٌ: ورزشگاه | مَطْعَمٌ: رستوران | مَصْنَعٌ: کارخانه |
| مَطْبَخٌ: آشپزخانه | مَوْقِفٌ: ایستگاه | مَنْزِلٌ: خانه |
| مَكْتَبَةٌ: کتابخانه | مَطْبَعَةٌ: چاپخانه | اِحْسَانٌ: نیکی کردن |
| اِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن | اِنْكِسَارٌ: شکسته شدن | بَائِعُ الْمَلَابِسِ: فروشنده لباس ها |
| القَمِيصُ الرَّجَالِيُّ: پیراهن مردانه | أَرْخَصَ: ارزان تر | تَفَضَّلِي: بفرما |
| سِعْرٌ: قیمت «جمع أسعار» | نوعِيَّةٌ: جنس | مَتَجَرٌ: مغازه |
| زَمِيلٌ: همکار - همشاگردی | تَخْفِيفٌ: تخفیف | سَاءٌ: بد شد. |
| عَذَبٌ: عذاب داد. | لِأَتَمِّمْ: تا کامل کنم. | حَسَنَتْ: نیکوگردانیدی |
| مِيزَانٌ: ترازو | سَكِينَةٌ: آرامش | لَا يُكَلِّفُ: تکلیف نمی کند. |
| ذَهَبٌ: طلا | فِصَّةٌ: تفرقه | عَدَاوَةٌ: دشمنی |
| صَدَاقَةٌ: دوستی | سَاتِرٌ: پوشاننده | مَيِّتٌ: مرده |
| عُجْبٌ: خودپسندی | عَابٌ: عیب جویی کرد. | سَخِرَ: مسخره کرد. |
| يَعْتَذِرُ: عذرخواهی می کند. | | |

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را براساس متن درس مشخص کنید.)

سَمَى بَعْضُ الْمَفْسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. ❌

برخی مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.

حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ. ❌

خداوند در این دو آیه فقط ریشخند کردن و غیبت کردن را حرام کرد.

الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذُكُرَ أَحَاكَ وَأُخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. ✓

غیبت آن است که تو برادر و خواهرت را به آنچه ناپسند می شمارند، یاد کنی.

إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ. ✓

قطعا خداوند مردم را از ریشخند کردن دیگران باز می دارد.

السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. ❌

تلاش برای شناخت اسرار دیگران، کاری زیباست.



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (خودت را بیازمای: حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس خطی را زیر اسم تفضیل قرار بده).

سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ: مِنْ أَحَبِّ النَّاسِ إِلَيَّ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

از رسول خدا سوال شد: محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که سودش به مردم بیشتر باش.

أَحَبُّ: اسم تفضیل (محبوب‌ترین) / أَنْفَعُ: اسم تفضیل (سودمندترین)

أَحْسَنُ زِينَةَ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ.

بهترین زینت مرد آرامش همراه ایمان است.

أَحْسَنُ: اسم تفضیل

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رسول الله (ص)

بهترین کارها: کسب (روزی) حلال است.

أَفْضَلُ: اسم تفضیل (بهترین)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. (خودت را بیازمای: عبارات‌های زیر را ترجمه کن.)

(... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ) الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

خَيْرٌ (بهترین): اسم تفضیل

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. رسول الله (ص)

بهترین دوستانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند.

خَيْرٌ (بهترین): اسم تفضیل

(لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) الْقَدْر: ۳

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

خَيْرٌ (بهتر): اسم تفضیل

مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين علی (ع)

هرکس شهوتش بر عقلش غلبه کند پس او از چهارپایان (حیوانات) بدتر است.

شَرٌّ (بدتر): اسم تفضیل



شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.

بدترین مردم افراد دو رو هستند.

شَرُّ (بدترین): اسم تفضیل

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَيْتِينَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ. (خودت را بیازمای: دو آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

(... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...) اَنْحَل: ۱۲۵

شرح مفردات: جادل: بحث کن / ضل: گمراه شد

و با آنان با [شیوه‌ای] که نیکوتر است بحث کن. قطعاً پروردگارت به [حال] کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است.

أَحْسَنُ: اسم تفضیل (نیکوتر، خوبتر) أَعْلَمُ: اسم تفضیل (داناتر)

(وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى) اَلْأَعْلَى: ۱۷

و (جهان) آخرت بهتر و پایدارتر (ماندگارتر) است.

خَيْرٌ: اسم تفضیل (بهتر) أَبْقَى: اسم تفضیل (پایدارتر)

كَانَتْ مَكْتَبَةٌ «جندی سابور» فی خوزستان أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

کتابخانه جندی شاپور در خوزستان، بزرگترین کتابخانه در دنیای قدیم بود.

أَكْبَرُ: اسم تفضیل (بزرگترین) مَكْتَبَةٌ: اسم مکان (کتابخانه)



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوار / گفتگو

فی سوقِ مَشْهَد: در بازار مشهد

| | |
|--|---|
| بائعُ المَلابِس: فروشنده لباس‌ها | الزَّائِرَةُ العَرَبِيَّةُ: خانم زائر عرب |
| عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرَحِبًا بِكِ. علیکم السلام. خوش آمدی. | سَلَامٌ عَلَیْكُمْ سلام علیکم |
| سِتُونَ أَلْفَ تَومَانِ. ۶۰ هزار تومان | كَمْ سَعْرُ هَذَا القَمِیصِ الرَّجَالِیِّ؟ قیمت این پیراهن مردانه چقدر است؟ |
| عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِیْنَ أَلْفَ تَومَانِ. تَفَضَّلِی أَنْظُرِی. به قیمت ۵۰ هزار تومان داریم. بفرما ببین. | أُرِیدُ أَرخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الأَسْعَارُ غَالِیَّةٌ. ارزان تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران (بالا) است. |
| أَبِیضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَزْرَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِیُّ. سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش. | أَیُّ لَوْنٍ عِنْدَكُم؟ چه رنگی دارید؟ |
| تَبْدَأُ الأَسْعَارُ مِنْ خَمْسِیَّةٍ وَ سَبْعِیْنَ أَلْفًا إِلَى خَمْسِیَّةٍ وَ ثَمَانِیْنَ أَلْفَ تَومَانِ. قیمت‌ها از ۷۵ هزار شروع می‌شود تا ۸۵ هزار تومان | بِكَمْ تَومَانِ هَذِهِ الأَسْعَارُ؟ این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟ |
| سَیِّدَتِی، یَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِیَّاتِ. خانم، قیمت بر حسب جنس فرق دارد. | الأَسْعَارُ غَالِیَّةٌ! قیمت‌ها گران (بالا) است! |
| السَّرَوَالُ الرَّجَالِیُّ بِتِسْعِیْنَ أَلْفَ تَومَانِ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِیُّ بِخَمْسِیَّةٍ وَ تِسْعِیْنَ أَلْفَ تَومَانِ. شلوار مردانه ۹۰ هزار تومان و شلوار زنانه ۹۵ هزار تومان است. | بِكَمْ تَومَانِ هَذِهِ السَّرَاوِیلُ؟ این شلوارها چند تومان است؟ |
| ذَلِكِ مَتَجَرُّ زَمِیلِی، لَهُ سَرَاوِیلُ أَفْضَلُ. آن مغازه همکار من است، شلوارهای بهتری دارد. | أُرِیدُ سَرَاوِیلَ أَفْضَلٍ مِنْ هَذِهِ. شلوارهایی بهتر از این را می‌خواهم. |
| فی مَتَجَرِّ زَمِیلِهِ ... : در مغازه همکارش ... | |
| صَارَ المَبْلَغُ مِئَتَیْنِ وَ ثَلَاثِیْنَ أَلْفَ تَومَانِ: مَبْلَغُ ۲۳۰ هزار تومان شد. أَعْطَیْنِی بَعْدَ التَّخْفِیضِ مِئَتَیْنِ وَ عِشْرِیْنَ أَلْفًا: بعد از تخفیف، به من ۲۲۰ هزار بده. | رَجَاءً، أَعْطَیْنِی سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النُّوعِ وَ ... لطفاً، شلواری از جنس و ... به من بده. كَمْ صَارَ المَبْلَغُ: مبلغ چقدر شد؟ |



التَّمْرَيْنِ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغتنامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد).
جَعَلَهُ حَرَامًا: آن را حرام کرد.

حَرَمَ: حرام کرد

الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: کسی که زنده نیست.

مَيِّتٌ: مُرَدَةٌ

الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: گناهان بزرگ

كِبَائِرُ: گناهان بزرگ

الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: کسی که توبه بندگان را می پذیرد.

تَوَّابٌ: بسیار توبه پذیر

تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: نامیدن دیگران به اسم های زشت.

تَنَابُرٌ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن

ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: آن چه را که دیگران در نبودشان به آن راضی نمی شوند، بیان کرد.

اِغْتَابَ: غیبت کرد

التَّمْرَيْنِ الثَّانِي: تَرْجِمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيَّنَ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن سپس آنچه خواسته شده از تو را مشخص کن).

حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

حُسْنٌ: مُبْتَدَأٌ نِصْفٌ: خَبَرٌ

مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (الْفَاعِلُ وَالْمَفْعُولُ)

هرکس اخلاقش بد باشد (شود)، خودش را عذاب می دهد.

خُلُقٌ: فَاعِلٌ نَفْسٌ: مَفْعُولٌ

اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (فِعْلُ الْأَمْرِ وَالْفِعْلُ الْمَاضِي)

خدایا، همان طور که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را هم نیکو بگردان.

حَسَنْتَ: فِعْلٌ مَاضِي حَسِّنْ: فِعْلٌ أَمْرٌ



زنگ عربی

لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص) (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارِ وَالْمَجْرُورِ)

در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از خوش اخلاقی نیست.

أثقل: اسم تفضیل / فی المیزان / من الخلق: جار و مجرور

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعلها و مصادر زیر را ترجمه کن.)

| الْمَصْدَرُ | الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ | الْمُضَارِعُ وَالْمُسْتَقْبَلُ | الْمَاضِي |
|-----------------------------|--------------------------------|------------------------------------|-------------------------------|
| إِحْسَانٌ: نیکی کردن | أَحْسِنْ: نیکی کن. | يُحْسِنُ: نیکی می کند. | قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است. |
| إِقْتِرَابٌ: نزدیک شدن | لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید. | يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند. | إِقْتَرَبَ: نزدیک شد. |
| إِنْكَسَارٌ: شکسته شدن | لَا تَنْكَسِرُ: شکسته نشو. | سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد. | إِنْكَسَرَ: شکسته شد. |
| إِسْتِغْفَارٌ: آمرزش خواستن | إِسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه. | يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد. | إِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست. |
| مَسَافَرَةٌ: سفر کردن | لَا تُسَافِرْ: سفر نکن. | لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند. | مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم. |
| تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن | تَعَلَّمْ: یاد بگیر. | يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند. | تَعَلَّمَ: یاد گرفت. |
| تَبَادُلٌ: عوض کردن | لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید. | تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید. | تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید. |
| تَعْلِيمٌ: آموزش دادن | عَلِّمْ: آموزش بده. | سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد. | قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است. |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ: (عمليات حسابی زیر را همانند نمونه بنویس)

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

$$۸ \times ۳ = ۲۴$$

ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ.

$$۷۶ - ۱۱ = ۶۵$$

سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِي لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن)

(فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ) الْفَتْح: ٢٦

پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

الله: فاعل / سكينته: مفعول / رسول: مجرور به حرف جر

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

خداوند کسی را جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.

الله: فاعل / نفساً: مفعول

السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فَضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

سکوت کردن طلا هست و سخن گفتن نقره است.

السُّكُوتُ: مبتدا / ذَهَبٌ: خبر / الْكَلَامُ: مبتدا / فَضَةٌ: خبر

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترین آنها به بندگانش است.

أَحَبُّ: مبتدا / عِبَادِ: مضاف اليه / اللَّهُ: مجرور به حرف جر / أَنْفَعُ: خبر / لِعِبَادِ: جار و مجرور

عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

دشمنی دانا، بهتر از دوستی نادان است.

عَدَاوَةٌ: مبتدا / خَيْرٌ: خبر / صَدَاقَةٌ: مجرور به حرف جر / الْجَاهِلِ: مضاف اليه

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ إِسْمَ الْفَاعِلِ، وَ إِسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ إِسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَ إِسْمَ الْمَكَانِ، وَ إِسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب ها و جمله های زیر را ترجمه کن سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

(رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ) الشُّعْرَاءُ: ٢٨

پروردگار مشرق و مغرب (خدای شرق و غرب)

الْمَشْرِقِ: اسم مکان / الْمَغْرِبِ: اسم مکان

(... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ) الْمَائِدَةُ: ١٠٩

بی گمان فقط تو بسیار دانای غیب ها هستی.

عَلَّامٌ: اسم مبالغه



(... مِنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ) یس: ۵۲

چه کسی ما را از خوابگاه مان برانگیخت؟ این است آنچه که خداوند رحمان وعده داده و پیامبران (فرستادگان) راست گفتند. (می گفتند)

مَرْقَدٍ: اسم مکان الْمُرْسَلُونَ: اسم مفعول

یا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

ای کسی که نیکوکاران را دوست می دارد.

الْمُحْسِنِينَ: اسم فاعل

یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربان ترین مهربانان

أَرْحَمَ: اسم تفضیل الرَّاحِمِينَ: اسم فاعل

یا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ.

ای پوشاننده هر معیوبی

سَاتِرٍ: اسم فاعل مَعْيُوبٍ: اسم مفعول

یا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.

ای بسیار آمرزنده گناهان

غَفَّارٍ: اسم مبالغه

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ. (کلمه نا آشنا در هر مجموعه را مشخص کن)

- | | | | | | | | | |
|-------------------------------------|------------------------|-------------------------------------|---------------------|--------------------------|----------------------------|-------------------------------------|---------------------|-------------------------------------|
| <input checked="" type="checkbox"/> | صَبَاحٌ: صبح | <input type="checkbox"/> | مَسَاءٌ: غروب | <input type="checkbox"/> | لَيْلٌ: شب | <input type="checkbox"/> | مَيْتٌ: مرده | <input checked="" type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | عُجْبٌ: خودپسندی | <input checked="" type="checkbox"/> | لَحْمٌ: گوشت | <input type="checkbox"/> | فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه | <input type="checkbox"/> | إِثْمٌ: گناه | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | كِبَائِرٌ: گناهان بزرگ | <input type="checkbox"/> | نِسَاءٌ: زنان | <input type="checkbox"/> | رِجَالٌ: مردان | <input type="checkbox"/> | أَوْلَادٌ: فرزندان | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | سَخِرَ: مسخره کرد | <input type="checkbox"/> | عَابَ: عیب جویی کرد | <input type="checkbox"/> | سَاعَدَ: یاری کرد | <input checked="" type="checkbox"/> | لَمَزَ: عیب گرفت | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | أَحْمَرٌ: قرمز | <input checked="" type="checkbox"/> | أَحْسَنَ: نیکوتر | <input type="checkbox"/> | أَجْمَلَ: زیباتر | <input type="checkbox"/> | أَصْلَحَ: شایسته تر | <input type="checkbox"/> |
| <input type="checkbox"/> | أَصْفَرٌ: زرد | <input type="checkbox"/> | أَزْرَقَ: آبی | <input type="checkbox"/> | أَبْيَضَ: سفید | <input type="checkbox"/> | أَكْثَرَ: بیشتر | <input checked="" type="checkbox"/> |



الْتَمَرِينَ الثَّامِنُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. (در جای خالی کلمه‌ای مناسب قرار بده)

اشْتَرَيْنَا وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتَجَرِّ.

سراویل: شلوارها أشهراً: ماه‌ها مَوَاقِفَ: ایستگاه‌ها

شلوارها و پیراهن‌هایی با قیمت‌هایی ارزان در مغازه خریدیم.

مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.

اغْتَابَ: غیبت کرد اتَّقَى: پروا کرد مَدَحَ: ستود

هرکس از مومنان غیبت کند پس او باید از آنها عذرخواهی کند.

خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي

إِثْنِينَ وَ أَرْبَعِينَ إِثْنِينَ وَ سَبْعِينَ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ

۶۵-۲۳=۴۲

أَرَادَ الْمُشْتَرَى السَّعْرَ. نَوْعِيَّةٌ:

جنس مَتَجَرَّ: مغازه تَخْفِيضٌ: تخفیف

مشتری تخفیف قیمت خواست.



مترادف، متضاد، جمع مکسر

| | | | | |
|-----------------|----------------|----------------|-----------------|------------------|
| أقوام ← قوم | أنفس ← نفس | ألقاب ← لقب | أسماء ← اسم | لُحوم ← لحم |
| إخوة/إخوان ← أخ | عُيوب ← عيب | آيات ← آية | أشخاص ← شخص | أسرار ← سر |
| كبائر ← كبيرة | ذنوب ← ذنب | مكاتب ← مكتب | أسباب ← سبب | أموات موتى ← ميت |
| معارف ← معرفة | أمور ← أمر | جبال ← جبل | أرادل ← أردل | أفاضل ← أفضل |
| أعمال ← عمل | سنوات ← سنة | عقول ← عقل | شهور/أشهر ← شهر | بهايم ← بهيمة |
| وجوه ← وجه | ملعب ← ملعب | مطاعم ← مطعم | مصانع ← مصنع | مطابخ ← مطبخ |
| مواقف ← موقف | منازل ← منزل | مكاتب ← مكتبة | مطابع ← مطبعة | سبل ← سبيل |
| أسعار ← سعر | ألوان ← لون | فساتين ← فستان | سراويل ← سروال | متاجر ← متجر |
| زُملاء ← زميل | مبالغ ← مبلغ | آلاف ← ألف | عباد ← عبد | أديان ← دين |
| أشياء ← شيء | موازين ← ميزان | رُسل ← رسول | عُقلاء ← عاقل | جُهال ← جاهل |
| رجال ← رجل | أولاد ← ولد | أعداء ← عدو | أدعية ← دعاء | |

| | | | | |
|------------------|---------------------|------------------------|-------------------|---------------------|
| خَيْر = أَحْسَن | نِساء = إِمرأة | اجْتَنَبُوا = حَذَرُوا | إِثم = ذَنْب | عُجِب = كَبِر |
| كَلَام = قَوْل | خَفِيَ = مُسْتَتِر | عَمَل = فَعْل | مُحاوَلَة = سَعَى | قَبِيحَة = كَرِيهَة |
| أَسْرار = رَموز | أَسباب = عِلل | عَسَى = رَبَّما | أَفْضَل = أَحْسَن | سَنَة = عَام |
| ذو = ذات | سَبيل = طَريق | قَدِيم = عَتِيق | مَتَجَر = دَكَّان | بُعِثَ = أُرْسِلَ |
| رَسُول = نَبِيٌّ | تَمَمَّ = كَمَلَّ | سَعَر = قِيمَة | صار = أَصْبَح | فَلَقَ = فَجَّر |
| حَيٌّ = إِسْرَع | حَاوَلَ = اجْتَهَدَ | سَاتَرَ = كَاتَمَ | | |

| | | | | |
|-------------------|---------------------|--------------------|---------------------------|---------------------|
| خَيْر ≠ شَرَّ | نِساء ≠ رِجال | بِئْسَ ≠ نِعَمَ | ابْتَعَدُوا ≠ اقْتَرَبُوا | مَيْت ≠ حَيٌّ |
| خَفِيَ ≠ ظاهِر | قَبِيحَة ≠ جَمِيلَة | سَيِّئَة ≠ حَسَنَة | قَطَعَ ≠ وَصَلَ | مَعْرِفَة ≠ نَكَرَة |
| أَكْبَر ≠ أَصْغَر | أَعْلَى ≠ أَسْفَل | أَقْلَّ ≠ أَشَدَّ | أَرادِلَ ≠ أَفاضِلَ | جَمَعَ ≠ فَرَّقَ |
| حَلال ≠ حَرَام | أَمانَة ≠ خِيانَة | لَيْل ≠ نَهَار | أَخِرَة ≠ دُنْيا | قَدِيم ≠ حَدِيث |
| أَرخَصَ ≠ أَعْلَى | أَبْيَضَ ≠ أَسودَ | كَبير ≠ صَغير | سَاءَ ≠ حَسَنَ | أَثَقَلَ ≠ أخَفَّ |
| إِحسان ≠ إِساءَة | عَداوَة ≠ صَداقَة | عاقِل ≠ جاهِل | أَكْثَر ≠ أَقَلَّ | أَعْداء ≠ أَصدِقاء |
| غالِية ≠ رَحِيفة | | | | |



| مصدر | نهی | امر مخاطب | مضارع | ماضی |
|--------------|------------------|-------------|---------------------------|-------------|
| میت | لا یَسْخَرُ | اجْتَنِبُوا | أَنْ يَكُونُوا (منصوب) | آمَنُوا |
| عُجِبَ | لا تَلْمِزُوا | اتَّقُوا | أَنْ يَكُنَّ (منصوب) | كَرِهَ |
| اسْتَهْزَأَ | لا تَنَابِزُوا | اغْفِرْ | لَمْ يَتَّبِ (مجزوم) | قَالَ |
| تَسْمِيَةٌ | لا تَجَسَّسُوا | ارْحَمْ | يُحِبُّ | حَرَّمَ |
| مُحَاوَلَةٌ | لا يَغْتَبِ | جادِلْ | أَنْ يَأْكُلَ (منصوب) | سَمَّى |
| كَشَفَ | لا تَعْيَبُوا | اسْتَخْرِجْ | يَكُونُ | جاءَتْ |
| فَضَحَ | لا تُلَقَّبُوا | حَسِّنْ | أَنْ نَبْتَعِدَ (منصوب) | اتَّقَى |
| غَيْبَةٌ | لا تَقْتَرِبُوا | أَحْسِنِ | أَنْ لَا نَذْكَرَ (منصوب) | اسْتَهْزَأَ |
| تَوَاصَلَ | لا تَنْكَسِرْ | اسْتَغْفِرْ | أَنْ تَعَيْبَ | اغْتَابَ |
| تَنَابَزَ | لا تُسَافِرْ | تَعَلَّمْ | تَنْصَحُ | كَانَ |
| كَسَبَ | لا تَتَبَادَلُوا | عَلِّمْ | تَقُولُ | تابَ |
| تَفَكَّرَ | | | يَكْرَهُونَ | تَجَسَّسَ |
| إِحْسَانٌ | | | يَفْعَلُ | تَنَابَزَ |
| اقْتِرَابٌ | | | يَتَّقَى | تَوَاصَلَ |
| انْكِسَارٌ | | | يَسْتَهْزِئُ | سَخِرَ |
| اسْتِغْفَارٌ | | | يَغْتَابُ | عَابَ |
| مُسَافَرَةٌ | | | يَكُونُ | لَقَّبَ |
| تَعَلَّمَ | | | يَتَوَبُّ | لَمَزَ |
| تَبَادُلٌ | | | يَتَجَسَّسُ | جَمَعَ |
| تَعْلِيمٌ | | | يُسَمَّى | آمَنَّا |
| اِفْتِتَاحٌ | | | يَتَنَابَزُ | أَهْدَى |
| دُعَاءٌ | | | يَتَوَاصَلُ | غَلَبَتْ |
| | | | يُحْرَمُ | ضَلَّ |
| | | | يَسْخَرُ | أَعْطَى |
| | | | يَعِيبُ | كَانَتْ |



زنگ عربی

| | | | |
|--|--|-----------------------------|----------------------|
| | | يَلْقَبُ | جَعَلَ |
| | | يَلْمِزُ | أَرَادَ |
| | | أَنْ تَذَكَّرَ (منصوب) | ذَكَرَ |
| | | يَنْهَى | سَاءَ |
| | | لَا يَعْتَدُ (منفی) | عَدَبَ |
| | | لَا يَجْتَنِبُ | بُعِثَ (مجهول) |
| | | أَعْلَمُ | حَسَنَتَ |
| | | أُرِيدُ | قَدْ أَحْسَنَ (نقلی) |
| | | تَبَدُّأُ | اقْتَرَبَ |
| | | يَخْتَلِفُ | انْكَسَرَ |
| | | يَقْبَلُ | اسْتَغْفَرَ |
| | | لَا يَرْضَى (منفی) | مَا سَافَرْتُ (منفی) |
| | | لِأَتَمَّ (منصوب) | تَعَلَّمَ |
| | | يُحْسِنُ | تَبَادَلْتُمْ |
| | | يَقْتَرِبُونَ | قَدْ عَلِمَ (نقلی) |
| | | سَيَنْكَسِرُ (مستقبل) | أَنْزَلَ |
| | | يَسْتَغْفِرُ | بَعَثْنَا |
| | | لَا يُسَافِرُ (منفی) | وَعَدَ |
| | | يَتَعَلَّمَانِ | صَدَقَ |
| | | تَتَبَادَلُونَ | سَاعَدَ |
| | | سَوْفَ يَعْلَمُ (مستقبل) | اشْتَرَيْنَا |
| | | يُسَاوِي | مَدَحَ |
| | | لَا يَكْلِفُ (منفی) | |
| | | أَنْ يَعْتَدِرَ (منصوب) | |
| | | أَنْ يَسْتَسْلِمُوا (منصوب) | |
| | | أَنْ يَسْتَقْبِلُوا (منصوب) | |



تقلب نامه

| اسم مکان | اسم تفضیل | ردیف |
|-----------|---|------|
| مَلْعَب | عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ | ۱ |
| مَطْعَم | عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُمْ | ۲ |
| مَصْنَع | أَحْسَنَ | ۴ |
| مَطْبَخ | أَوْلَى | ۵ |
| مَوْقِف | أَهَمَّ | ۶ |
| مَنْزِل | أَعْلَى | ۷ |
| مَكْتَبَة | كُبْرَى | ۸ |
| مَطْبَعَة | صُغْرَى | ۹ |
| مَدَارِس | أَرَادِلُ | ۱۰ |
| مَلَاعِب | أَفْضَلُ | ۱۱ |
| مَطَاعِم | أَنْفَعُ | ۱۲ |
| مَنَازِل | أَعْلَمُ | ۱۳ |
| مَتَجَر | أَحَبُّ | ۱۴ |
| مَشْرِق | تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً | ۱۵ |
| مَغْرِب | شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ | ۱۶ |
| مَرَقَد | خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا | ۱۷ |
| مَوَاقِف | حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ | ۱۸ |
| | وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ | ۱۹ |
| | خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ | ۲۰ |
| | لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرِ | ۲۱ |
| | فَهُوَ شَرُّ مِنَ الْبَهَائِمِ | ۲۲ |
| | شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ | ۲۳ |
| | أَبْقَى | ۲۴ |
| | أَكْبَرُ | ۲۵ |
| | أَرْخَصَ | ۲۶ |
| | أَفْضَلُ | ۲۷ |



| | |
|----|---|
| ۲۸ | أَتَقَلَّ |
| ۲۹ | عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ |
| ۳۰ | أَرْحَمَ |
| ۳۱ | أَقَلَّ |
| ۳۲ | أَجْمَلَ |
| ۳۳ | أَصْلَحَ |
| ۳۴ | أَكْثَرَ |
| ۳۵ | آخَرَ |
| ۳۶ | أَغْلَى |

خلاصه قواعد

معادل «صفت برتر» / «صفت برترین»

مذکر: بر وزن «أَفْعَل»

مؤنث: بر وزن «فُعَلَى»

برای مقایسه بین دو اسم مؤنث بر وزن «أَفْعَل» می آید

به شکل «أَفْعَى، أَقَلَّ» نیز می آید

جمع اسم تفضیل «أَفَاعِل»

آخر / أُخْرَى

اگر بر «رنگ» یا «عیب و نقص» دلالت کند اسم تفضیل نیست.

اسم تفضیل

من: معنای «صفت برتر»

مضافٌ إِلَیْهِ: معنای «صفت برترین»

بعد از اسم تفضیل

با حرف جرّ «مِنْ» معنای «بهتر از / بدتر از»

با مضافٌ إِلَیْهِ معنای «بهترین / بدترین»

بعد از آن «لا» ی نفی جنس باشد اسم تفضیل نیست

خیر و شرّ

مَفْعَل

مَفْعِل

مَفْعَلَةٌ

جمع اسم مکان

جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می آید. [وزن های فرعی: مَفَلَّ، مَفَال، مَفْعَى]



تمرین تکمیلی

اسم تفضیل و اسم مکان را در جملات زیر مشخص کنید.

- ۱) الدنیا دار فانیةٌ للمسلمین فی العالم!
- ۲) إنَّ أكابر الأديان یذهبون إلى معابدهم فی الأيام المعینة!
- ۳) اشتريتُ السروال الأبيض من متجر صديقی!
- ۴) إننی أحبُّ أن أبني لفقراء قرینتنا مساكن رخيصة!
- ۵) أزورُ كلَّ سنةٍ مرتينٍ مع عائلتی المشهد المقدسة!
- ۶) هناك ثلاثة مساجد فی هذه المدينة الكبيرة!
- ۷) مبدأ العام الهجری هو شهرُ المحرم!
- ۸) ندمتُ أختی الكبرى علی عمله فی المدرسة!
- ۹) عداوة العاقل خیرٌ من صداقة الجاهل!
- ۱۰) قرأتُ أربع صفحاتٍ من هذا الكتاب!
- ۱۱) أنزل الله سكينته علی رسوله و علی المؤمنین!
- ۱۲) اشتريتُ سروالاً أبيض من المتجر!
- ۱۳) قال تلميذی بفرح: أنا بخير، شكرًا لرب العالمین!
- ۱۴) قلتُ لأصدقائي: الخير فی ما وقع، لا تيأسوا و لا تحزنوا!
- ۱۵) قال الله لعباده: أنا جعلنا فی هذا القرآن خيراً كثيراً لكم!
- ۱۶) إننی قلتُ: الصلاة فی هذه اللحظات خیر عمل نعمله جميعاً!



پاسخ تمرین تکمیلی

- (۱) الدنیا : اسم تفضیل مونث
- (۲) أكابر : جمع مکسر « اکبر » اسم تفضیل مذکر / معابد: جمع مکسر معبد اسم مکان
- (۳) الألبیض : دقت کنید این اسم با اینکه بر وزن أفعال است ولی اسم تفضیل نمی باشد.
- (۴) مساکن : جمع مکسر مسکن اسم مکان
- (۵) المشهد : اسم مکان
- (۶) مساجد: جمع مکسر مسجد اسم کان
- (۷) میداً: اسم مکان
- (۸) الکبری: اسم تفضیل مونث / المدرسة: اسم مکان
- (۹) خیرٌ : اسم تفضیل
- (۱۰) أربع: عدد ۴ بر وزن أفعال است ولی اسم تفضیل نمی باشد.
- (۱۱) أنزل: فعل ماضی است ، با اسم تفضیل اشتباه نگیرد.
- (۱۲) المتجر: اسم مکان
- (۱۳) خیر: به معنای « خوب » می باشد و اسم تفضیل نیست.
- (۱۴) الخیر : به معنای « خوب » می باشد و اسم تفضیل نیست.
- (۱۵) خیراً: به معنای « خوب » می باشد و اسم تفضیل نیست.
- (۱۶) خیر: اسم تفضیل